

● به سوی خرمشهر



بفرمائید، بگویم.
متوسلین: برادر من؛ به جناب سرهنگ
شاهین راد بگو قضیه‌ی این خرچنگ. تانک‌های
ما که دارند می‌آیند این طرف [عقب می‌کشند]
چیست؟

همت: الآن داریم تحقیق می‌کنیم، تا چند
لحظه‌ی دیگر بگوش باشید، جواب آن را به شما
بدهیم. الآن داریم با آن یکی رادیو تماس می‌گیریم.
متوسلین: پس بجنید!
همت: الآن حاجی، الآن!

لحظه‌ای بعد حسن باقری؛ فرمانده قرارگاه
عملیاتی نصر، از طریق خط تلفن امن، با همت
تماس می‌گیرد. در این مکالمه، صدای باقری
را نداریم.

همت: بله، بله... ببین جناب! ما دردمان این
است که از دو طرف در فشاریم. یکی از سمت
راست، یکی از سمت چپ. یک تکه از سمت
راست خط دفاعی ما، را دزفول خالی گذاشته،
دشمن چنان دارد به ما فشار می‌آورد که اولین رده‌ای
که خارج شدند و جیم فنگ شدند، آن بچه‌های
تانک بودند که تانک‌ها را برداشتند و د برگرد! حالا
دیگر ببین چه روحیه‌ای برای پیاده باقی می‌ماند.
این مشکل ما در این قسمت [در محور سلمان] است.
مشکل آن قسمت چپ ما [محور محرم] هم این
بوده که یک تعداد کادر بوده‌اند که الآن حاج احمد
خودش آن جا رفته و دارد آن‌ها را سازمان می‌دهد.
ولی الآن من با احمد تماس می‌گیرم و می‌گویم اگر
بشود، بکشند پائین. آخر همین طوری که نمی‌شود
خط حد آن محور را، رو به جنوب کش داد! ولی من
با خالقی یک تماس می‌گیرم ببینم می‌توانند این کار
را بکنند یا نه... خدا حافظ.

سپس همت با بی سیم فرماندهی محور سلمان؛
که با پنج گردان تحت امر خود در حاشیه‌ی جاده‌ی
اهواز - خرمشهر در حال مقاومت است، تماس
می‌گیرد:

همت: سلمان، همت!

محور سلمان: بگویم.

همت: سلمان جان؛ الآن دو تا دودی [گلوه‌ی
دودزا جهت گرفتن گرا] به همان جا که گفته بودی
می‌زنیم. خوب دقت کن ببین خوب است یا نه.
تصحیح آن را بده تا آتش بریزیم روی آن‌ها. مفهوم
است؟! در ضمن سلمان، بگو که هر کاری کردیم
آن خرچنگ [تانک]‌های خودی را که در آن وسط
هستند بیایند پیش حاج احمد و شاهین راد، نشد.

علاوه بر هدایت گردان‌ها از طریق بی سیم به سمت
اهداف از پیش تعیین شده و هم فکری با متوسلین
در تعیین مانورهای آفتدی، در بزرگراه‌های حساس
نیز به رزمندگان روحیه می‌داد.

همت، با به کار بردن لحنی دلداری دهنده، در
مکالمات بی سیم خود با فرماندهان گردان‌های
مانوری تیپ ۲۷، که از چند قدمی مواضع دشمن
با وی مکالمه می‌کردند، آنان را به استمرار نبردشان
ترغیب می‌کرد.

در مواقعی که کار عملیات گره می‌خورد، حتی
متوسلین از همت می‌خواست تا برای گشودن گره از
کار فرو بسته‌ی نبرد، اقدام کند. نمونه‌ای از این گونه
درخواست‌های فرمانده تیپ ۲۷ از همت، در نوار
مکالمات بی سیم انجام گرفته طی روز اول عملیات
الی بیت المقدس - جمعه دهم اردیبهشت ۱۳۶۱ -
ثبت شده و به یادگار مانده است:

متوسلین: هاشم، احمد!

همت: بگویم. سلام علیکم، خسته نباشید!

کمتر از یک ماه پس از خاتمه‌ی عملیات
فتح، تیپ ۲۷ بار دیگر آماده شد تا عملیات
«الی بیت المقدس» را به منظور آزادسازی خرمشهر
آغاز کند.

این بار محمد ابراهیم همت در جایگاه جانشین
فرماندهی تیپ ۲۷ توانست نقش کارسازی را
در هدایت عملیاتی چهارده گردان این یگان
ایفاء نماید.

عملیات الی بیت المقدس، شامگاه پنج‌شنبه
نهم اردیبهشت ۱۳۶۱ با عبور گردان‌های خط شکن
تیپ ۲۷ از ساحل شرقی رودخانه‌ی کارون آغاز شد.
آن شب همت با حضور در قرارگاه فرعی نصر ۲،



**در مواقعی که کار عملیات گره می‌خورد،
حتی متوسلین از همت می‌خواست تا برای
گشودن گره از کار فرو بسته‌ی نبرد، اقدام کند**